

بیشتر متوجه می شود که مدل پادشاهی که ما در این نمایش خلق کرده ایم نیز در همین سمت و سواست. یعنی این پادشاه می تواند حاکم هر جایی از این جهان باشد و شکل مناسباش با درباریان، مردم و مراجعانش می تواند در هر نقطه دیگری از جهان شکل بگیرد.

این طور که در تمرینات شما دیدم قرار است از فست و اسلوموشن و همینطور پانتومیم نیز استفاده کنید آیا استفاده از این تکنیک‌های اجرایی علاوه بر آشنایی زدایی علت دیگری نیز دارد؟

بله علاوه بر آشنایی زدایی من معتقدم که در تئاتر باید همواره در طول یک اجرا باور تماشاگر و آنچه که روی صحنه می بیند را مدام به هم بزیم. یعنی درست در لحظه‌ای که صحنه طبق روالی که در ذهن مخاطب جا افتاده است پیش می رود ناگهان روالی جدید جایگزین می شود تا شوک ایجاد کند به همین دلیل ما از انواع و اقسام مدل‌های حرکتی میزانشنی و موسیقی البته در چهارچوب منطق و دلایل بهره برده ایم چرا که اگر این منطق و دلیل وجود نداشته باشد نمایش به هرج و مرج کشیده می شود و من سعی کردم در عین تنوع در اشکال و حرکات همه عوامل آن سامان بندی مورد نیاز را نیز داشته باشد.

اجرای «جگر هندی» چگونه به سنگلج رسید؟

به نظرم این نمایش جزو نمایش‌هایی است که باید در تالار سنگلج که خیلی دوستش دارم اجرا شود. چون تالار سنگلج یکی از مکان‌های مهم اجرای نمایش ایرانی و اقتباس‌های ایرانی است و من هم ذهنیت خیلی خوبی از سنگلج دارم.

این روزها مدام اشاره می شود که نبود کمپانی تئاتر آسیب جدی به این عرصه وارد کرده لطفاً به عنوان فردی که هم تئور بسین هستید و هم در بخش اجرا فعالیت می کنید در مورد ماهیت کمپانی تئاتر و اینکه چگونه می توانستیم به این سمت برویم ولی نرفته ایم بگوئید.

یکی از آسیب‌های تئاتر ما این است که نمی توانیم این کمپانی‌های تئاتر را داشته باشیم چون شکل گرفتن یک کمپانی یعنی داشتن یک جا و مکان تقریباً مشخص، همینطور شرایط اقتصادی تقریباً مشخص که متأسفانه نداریم. آنچه که امروز در ایران وجود دارد این است که برخی از افراد مثل تهیه‌کنندگان شناخته شده که راهکارهایی را بلد هستند و در طول زمان یاد گرفته‌اند که مناسبات اقتصادی‌شان را تعریف کنند، تا حدودی نه به تعریف کمپانی بلکه تا حدودی به شکل‌هایی شبیه به یک کمپانی کار می کنند. کمپانی‌ها در کشور ما شکل نگرفته‌اند مثلاً همین همکاری که ما با موسسه آکتور داریم و حامی ما هستند اگر ادامه دار باشد، تا زمانی که بخواهم کار کنم به این موسسه مراجعه خواهم کرد. خب آنها برای ما فضاپی به وجود می آورند، هزینه‌های اولیه را تامین می کنند تا بعداً از فروش بردارند در واقع این یک شکل نزدیک به کمپانی است اما در حال حاضر به صورت سیستماتیک کمپانی تئاتر نداریم.

در آخر آیا خاطره‌ای از اجراء در نوروز دارید؟

بله اتفاقاً سال ۱۹۷ اگر اشتباه نکنم نمایش «جعفر خان از فرنگ برگشته» را در ایام نوروز اجرا کردیم و خاطره‌ای که دارم این است که در آن زمان سر یال «پایتخت» بخش می شد درست مثل همین امسال که قرار است بخش شود و از آنجایی که اسم یکی از کاراکترهای این سر یال رحمت امینی بود ما تبلیغاتی بدین شکل انجام داده بودیم که باز یگر نقش رحمت امینی سر یال «پایتخت» از رحمت امینی کارگردان نمایش «جعفر خان از فرنگ برگشته» شکایت کرده و ادعا کرده است که از نام او سوء استفاده شده و همین جریان تبدیل به یک شکل خبری-تبلیغاتی شده بود.

پهروز سروعلیشاهی، بازیگر:

کاراکترهای این نمایش به نوعی یک کاریکاتور هستند

آیا مستقیماً و در ابتدا نقش ندیم اعظم به شما پیشنهاد شد؟
در ابتدا نقش شاه به من پیشنهاد شد چون پیش از پیوستن من به کار، این گروه با بازیگران دیگری کسست شده بود و به دلایلی تغییر و تحولاتی صورت گرفت و در واقع من به همراه چند بازیگر دیگر جزو آخرین نفراتی بودیم که به گروه پیوستیم. آقای جهانزاده که نقش شاه را بازی می کردند بنا به دلایلی رفته بودند ولی با تغییر برنامه زمانی شان بازگشتند و دوباره نقش خودشان را بر عهده گرفتند به همین علت من نقش ندیم اعظم را پذیرفتم.

اینکه این نقش‌ها همگی برگرفته شده از حکایات کهن

هستند چه تاثیری در نقش پردازی آن دارد؟

نقش ندیم به نوعی همان وزیر دربار است و مجموعه حال و هوای قصه تا حدودی مرا به یاد سر یال «سلطان و شبان» می اندازد که اوایل دهه ۶۰ بخش می شد. ندیم اعظم وزیر است که برای اثبات جان نثاری خود وقتی می گویند کلاه بیاور، سر می آورد خوب چاشنی طنز نیز به تمام کاراکترهای این نمایش افزوده شده و ندیمه اعظم نیز استثناً نیست و در واقع وزیر بانمکی است که کاملاً گوش به فرمان پادشاه است و خود پادشاه نیز یک حالت بهلول وار دارد و هر کدام از این کاراکترها به نوعی یک کاریکاتور هستند.

آیا اجراء در ایام نوروز با توجه به اینکه اکثر افراد در کنار خانواده‌شان هستند چالشی ایجاد می کند؟

بله حتماً همینطور است و اما جدا از ایام نوروز مسائل دیگری که مبتلا به این روزها است به خصوص به لحاظ مسائل اقتصادی سبب می شود تا نگرانی‌هایی در ارتباط با جذب مخاطب ایجاد شود اما تجربه‌ای که ما با آقای امینی در سال ۹۷ در اجرای نمایش «جعفر خان از فرنگ برگشته» داشتیم نشان از این بود که استقبال مخاطبان از این نمایش مفرح بخصوص در سالن سنگلج که از آن کانون اصلی تئاتر که حول و حوش نوفل لوشاتو شده دور است خیلی خوب بود و امیدوارم این بار نیز همین گونه شود.

سخن پایانی

به عنوان یکی از بازیگران این نمایش واقعاً دوست دارم که استقبال خوبی صورت بگیرد و فکر می کنم اینگونه نیز خواهد بود و در آخر امیدوارم آنقدر شرایط خوب باشد که مردم در روزهای نوروز بیایند و کار را ببینند و لبخند بر لبانشان بنشینند.

محمد رضا نوری، بازیگر:

به تئاتر صرفاً به منزله سرگرمی نگاه نکنیم

آیا نقش راوی را خودتان انتخاب کردید؟

نه این امر در تمرینات شکل گرفت یعنی ما اول دور خوانی داشتیم، نقش‌های مختلف را خواندیم و به این جمع بندی رسیدیم. با توجه به اینکه من حدود ۲۰ سال است که تئاتر کار نکرده‌ام و اینکه بازیگری تئاتر با سینما کاملاً متفاوت است و در نهایت بر اساس فیزیک بدنی و تیپمی که قرار بود کاراکترها بگیرند در جمع بندی که با آقای امینی داشتیم ایشان نقش راوی را برای من در نظر گرفتند.

ما شما را بیشتر از فیلم‌ها و سریال‌ها و همینطور آثاری که خودتان کارگردانی کرده و ساخته‌اید می شناسیم چگونه شد که به تئاتر بازگشتید؟

ما با آقای امینی رابطه دیرینه‌ای داریم. در گذشته ایشان همیشه به من لطف داشتند و من همیشه با ایشان مشورت می کنم و در صحبتی که داشتیم من از تمایل خودم برای بازی تئاتر گفتم و اینگونه شد که برای این نمایش از من دعوت کردند.

آیا خاستگاه اولیه شما به عنوان بازیگر تئاتر بوده است؟

من از نوجوانی بازیگری می کنم و در دوران نوجوانی یک معلمی داشتیم که جدای از شغل معلمی در مجالس مختلف شعبده بازی هم انجام می داد و استاد تئاتر ما بود و بیش از ۳۰ یا ۴۰ تئاتر در دوره راهنمایی کار کردیم اما زمانی که مدرسه من تغییر کرد ایشان بر اساس لطفی که به من داشتند، مرا مستعد دیدند و به کارگردان فیلم «شهر دار مدرسه» معرفی کردند. بعد از آن زمانی که در فیلم‌های «درخت گلایی» و «عشق طاهر» بازی می کردم با بچه‌های تئاتر بیشتر آشنا شدم و مشاور یک سری آثار دانشجویی نیز بودم اما نمایش‌هایی همان زمان بازی کردم که معمولاً در جشنواره‌ها اجرا می شد و من این تجربه اجرای عمومی سی شب پیاپی را تا این لحظه نداشتم. من فرد ریسک پذیری هستم و معتقدم که یک بار به این عالم آمده‌ام بنابراین دوست دارم که تجربه‌های جدیدی وارد زندگی‌ام شوند و این تجربه در کارنامه کاری و زندگی‌ام باشد.

از ویژگی‌های نقش راوی این است که منطق محور است و سعی می کند درگیر احساسات نشود در این مورد بگوئید.

من تاکنون نقش‌های خیلی سختی را بازی کرده‌ام و هر چند که ریسک پذیر هستم اما در خلوت خود گاهی می گویم که چقدر سخت بوده است. خب معمولاً کاراکترها بازیگرها در دیالوگویی به صورت پینگ پنگ عمل می کنند اما در نقش راوی من هم با بازیگرانی که روی صحنه هستند ارتباط می گیرم و دیالوگ برقرار می کنم هم با مخاطب و تماشاگری که در سالن است. سبک اجرایی آقای امینی در این نمایش فاصله گذاری بر پشت است و می خواهد که مخاطب را هیپنوتیزم نکند یعنی می خواهد

او را از احساساتی که به سراغش می آید جدا کند. در واقع بیشتر می خواهد که بیانیته‌ای صادر کند و این شخصیت دقیقاً همین کار را انجام می دهد. گاهی حس می کنم که روی صحنه نقش خود آقای امینی را بازی می کنم البته با لحنی کم‌دی و خنده‌دار چرا که در هر صورت بخشی از تئاتر خاصیت سرگرمی آن است و باید در عین سرگرمی آن بیانیته‌ها صادر شود.

سخن پایانی

یک ماه پیش برای فیلم «پروین» مصاحبه‌ای انجام دادم و گفتم که از مردم خواهش می کنم که به رسانه‌ها به خصوص به تئاتر که مربوط به الیت جامعه و اهل تفکر است صرفاً به منزله سرگرمی نگاه نکنند و این مسئله را نیز در نظر بگیرند که یک اثر چیزی به آنها اضافه کند. سطح نمایش ما نیز بالاتر از کم‌دی است یعنی در عین اینکه مخاطب را می خنداند مسائلی را نیز از نظر تاریخی و پند و اندرز می سجدی در قصه خود بدان اشاره داشته مطرح می کند.

دلارام ترکی، بازیگر:

حکیم الحکما نماینده خرد و منطق است

لطفاً از ویژگی‌های نقش حکیم باشی و بار کم‌دی و طنز این کاراکتر بگوئید.

نقش حکیم الحکما یک نقش جذاب است. شخصیتی که قرار است با خرد و طنز خود، داستان را پیش ببرد و در عین حال با حکیمان دیگر از فرهنگ‌های مختلف تعامل کند. این نقش ترکیبی از خردمندی، طنز و حتی کمی شوخ طبعی است که می تواند نمایش را جذاب تر کند. ویژگی‌های نقش حکیم الحکما شخصیتی بسیار باهوش و آگاه به نظر می رسد. او کسی است که از فلسفه، علم و حتی خرافات آگاهی دارد و می تواند با استدلال‌های قوی، دیگران را متقاعد کند. او نماینده خرد و منطق در داستان است. با توجه به اینکه نمایش کم‌دی است، حکیم الحکما می تواند با طنز و شوخ طبعی خود، موقعیت‌های جدی را به شکلی خنده‌دار و جذاب تبدیل کند. این طنز می تواند از نوع طنز موقعیتی، کلامی یا حتی طنز سیاه باشد. حکیم الحکما با حکیمان چینی، روسی و فرنگی مصاحبه می کند، بنابراین باید بتواند با فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار کند. این ویژگی به او حالتی جهانی و فراتر از مرزهای می دهد. نقش من حالت اخباری دارد، یعنی داستان را به شکلی روایت می کنم که مخاطب را در جریان اتفاقات قرار می دهم. این حالت می تواند شبیه به یک گوینده خبری باشد که با لحنی خاص و جذاب، اطلاعات را منتقل می کند.

اغراق تا چه حد در نقش پردازی‌های این نمایش تاثیر گذار بوده؟

در نمایش‌های کم‌دی، به ویژه آن‌هایی که رویکرد آوانگارد و غیرمتعارف دارند، اغراق یکی از ابزارهای کلیدی برای ایجاد طنز و جذابیت است. در نمایش «جگر هندی»، اغراق به شکل‌های متفاوت بکار برده شده است تا هم وجه کم‌دی داستان را تقویت کند و هم شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را به شکلی ملموس تر و خنده‌دار تر به مخاطب نشان دهد. یک بعد نقش اغراق در نمایش کم‌دی و آوانگارد تقویت وجه کم‌دی اثر است. اغراق این امکان را می دهد که موقعیت‌ها، شخصیت‌ها و حتی دیالوگ‌ها را به شکلی غیر واقعی و خنده‌دار نمایش دهد. مثلاً وقتی شاه خواب موش می بیند، کارگردانی نمایش به گونه‌ای است که این خواب را به شکلی اغراق آمیز و حتی مضحک روایت می کند تا مخاطب را بخنداند. بعد دیگر پررنگ کردن ویژگی‌های شخصیت‌هاست، مثلاً حکیم الحکما می تواند با حرکات آمیز، لحن بیش از حد جدی یا حتی پوشش عجیب و غریب، به شخصیتی کاملاً خنده‌دار و به یادماندنی تبدیل شود همچنین اغراق می تواند تضادهای موجود در داستان را پررنگ تر کند. مثلاً وقتی شاه تصمیم می گیرد جان یک رعیت را فدا کند، این تصمیم با اغراق در دیالوگ‌ها یا حرکات، به شکلی کاملاً غیر منطقی و خنده‌دار نمایش داده می شود. در نمایش‌های آوانگارد، هدف این است که مخاطب غافلگیر شود و توجه او را جلب کند و اغراق در بازی، حرکات و حتی طراحی صحنه می تواند به این هدف کمک کند. اما اغراق در بیان دیالوگ‌ها مثلاً در مورد نقش خود اینگونه است که وقتی حکیم الحکما با حکیمان دیگر صحبت می کند، از کلمات و جملاتی استفاده می کند که بیش از حد رسمی، فلسفی یا حتی بی ربط هستند تا طنز موقعیت را تقویت کند در حرکات و زبان بدن هم همینطور است و فکر می کنم دکتر رحمت امینی همه این ویژگی‌ها را در جای خود در نمایش استفاده کرده‌اند.